

# آیت‌الله میرزای نائینی

## چهره درخشان دین و سیاست

سید مهدی سجادی نائینی\*

او را ۱۲۷۲ هجری قمری نوشته است (مجله حوزة، شماره ۷۶ و ۷۷، ص ۳۱). اما معلم حبیب‌آبادی تولد وی را ۱۲۷۷ هجری قمری ذکر کرده است (معلم حبیب‌آبادی، مکارم‌الآثار، جلد ۶، ص ۲۱۹۶). فرزند آن مرحوم نیز در شرح حالی که برای پدر خود نوشته تاریخ ولادت ایشان را ۲۷ ذی‌القعدة ۱۲۷۶ هجری قمری برابر با ۲۸ خرداد ۱۲۳۶ شمسی نوشته است (۱: ص ۳۶).

مرحوم نائینی به حق از دانشمندان و علما و شخصیت‌های ممتاز و برجسته‌ای است که بجاست زندگانی پرثمر او که در بر دارنده همه برتری‌ها و کمال‌های معنوی و علمی وی است بیشتر مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد تا جلالت قدر او آنچنان که شایسته مقام والای وی است بر همگان روشن گردد.

مرحوم میرزا تا سال ۱۲۹۳ هجری قمری در نائین بود. در این مدت دروس ابتدایی را آموخت و از محضر استادانی که در نائین بودند، استفاده کرد. در این سال به اصفهان آمد. در آن روزگار شهر اصفهان با وجود دانشمندانی مانند «جهانگیرخان قشقایی» و «آخوند فشارکی» و «آخوند کاشی» مورد توجه دستداران علم و دانش بود و طلاب علوم دینی اکثر شهرها برای ادامه تحصیل راهی اصفهان می‌شدند.

نائین از قدیم‌ترین شهرهای ایران است که سابقه آن به قبل از اسلام باز می‌گردد. آثاری همچون نارنج‌قلعه (نارین‌قلعه) و گویش خاص مردم منطقه نشان‌دهنده دیرینگی این شهر کوچک کویری است. متأسفانه استقرار شهر در منطقه خشک و بیابانی باعث شده تا خشکسالی‌های ادواری و خشونت‌های آب و هوایی و شرایط بسیار نامناسب جغرافیایی در طول تاریخ تأثیر لازم را بر چهره این شهر بگذارد. اما با همه این مشکلات و بی‌مهری‌های طبیعت، نائین سابقه علمی درخشانی دارد.

وجود دانشمندان و علما و روحانیون برجسته‌ای که برخی از آنها از استوانه‌های علمی کشورمان به‌شمار می‌روند، باعث شده تا این شهر کوچک به‌عنوانی همچون «بلده طیبه» و «مدینة‌العرفا» و... نامبردار گردد. در میان دانشمندان و بزرگان نائین (میرزای نائینی) یکی از چهره‌های درخشانی است که نام بلند او یادآور مجاهدت‌ها و ایثارهایی است که در طول تاریخ اسلام بزرگان این آیین الهی به آن نامبردار بوده‌اند.

«حاج میرزا محمدحسین بن عبدالرحیم بن محمدسعید نائینی نجفی» معروف و ملقب به «میرزای نائینی» فقیه امامی، اصولی، حکیم، ادیب، مجتهد و فیلسوف مشهور در سال ۱۲۷۷ هجری قمری در نائین متولد شد.

در مورد تاریخ تولد میرزای نائینی اختلاف نظر وجود دارد. «شیخ عبدالحسین حلی» تولد

\*- کارشناس آثار تاریخی



مرحوم میرزا در اصفهان از محضر آقا سید محمدباقر صاحب روضات الجنات و آقا شیخ محمدباقر نجفی معروف به آخوند کاشی و جهانگیرخان قشقایی و سایر بزرگان استفاده فراوان برد. استعداد ذاتی و قدرت فراگیری و ممارست و از همه مهمتر ایمان و اعتقاد او باعث شد تا پس از گذشت یکدهه در فلسفه و ریاضی و ادبیات فارسی و ادبیات عرب به برتری‌هایی برسد. در این زمان تسلط او به ادب فارسی و عرب به جایی رسیده بود که به هر دو زبان سخن می‌گفت و خوش می‌نوشت (۴: ص ۹۲).

مرحوم میرزا در سال ۱۲۰۳ هجری قمری عازم عتبات شد. در سامره از محضر میرزای شیرازی استفاده فراوان برد. آنگاه به کربلا رفت و در حلقه درس مرحوم صدر شرکت کرد. پس از آن به نجف اشرف رفت و به شاگردی آخوند خراسانی در آمد. البته مرحوم میرزا به پاس احترام عمیقی که برای مرحوم آخوند خراسانی قایل بود در حلقه درس وی حاضر می‌شد، وگرنه بسیاری از دانشمندان این دو بزرگوار را همسنگ و همپایه می‌دانند، با شروع نهضت مشروطه خواهی مرحوم میرزا نیز از طرفداران این حرکت مردمی شد (۲: ص ۱۷۱).

در سال ۱۲۴۱ هجری قمری پس از آنکه دولت عراق علما را تبعید کرد، میرزای نائینی به عنوان اعتراض عراق را ترک کرد و به ایران آمد، اما نفوذ قدرت او باعث شد تا دولت عراق از تبعید علما صرف نظر کند. پس از آن مقدمات بازگشت احترام آمیز او به عراق فراهم آمد. این نکته بر احترام میرزا افزود و سبب گردید ریاست و مرجعیت تامه او در عراق و سایر کشورهای مسلمان مسجل گردد.

پژوهشگران و محققانی که درباره میرزای نائینی تحقیق کرده و آثار او را مورد بررسی قرار داده‌اند بیشتر شهرت و آوازه او را در علم اصول می‌دانند.

استاد شهید مطهری در این مورد می‌نویسد: مرحوم میرزا در اصول با مرحوم خراسانی به معارضة علمی پرداخت و از خود نظریات جدیدی آورد (۶: ص ۵۰۰).

مرحوم میرزا توانست علم اصول را با دقت تام و جدیت خاص به طوری منظم و خالی از

پیچیدگی ترتیب و تصحیح نماید که مطلعین این فن وی را «مجدد علم اصول» به‌شمار آوردند. با مطالعه در آثار کرانسنک این بزرگمرد می‌بینیم که مرحوم میرزا با روش ابتکاری و نوین و بسا آرای دقیق و ژرف خویش روح تازه‌ای در کالبد اجتهاد و مباحث فقهی دمید و به نوآوری‌هایی دست یافت که پیش از آن مرحوم سابقه نداشت.

مرحوم نائینی عقیده داشت در روزگاری که مسلمانان به رهبران دینی دسترسی ندارند و تحت سلطه حکام نادان و فاسد و ستمکار قرار دارند، وجود قوانینی که مانع زورگویی و خودکامگی و استبداد گردد لازم است، به همین جهت و با این اعتقاد شرکت مردم در نهضت مشروطه خواهی و مشروطه طلبی را واجب اعلام کرد و مشروطه بودن حکومت را از ضروریات دین اسلام به‌شمار آورد. آن مرحوم همیشه در مباحثات و سخنرانی‌ها استبداد را «شجره خبیثه» می‌نامید و مستبدان و خودکامگان را «دسته گرگان آدمی‌خوار» قلمداد می‌کرد (۷: ص ۳۶).

مرحوم میرزا در آن روزگار به وضوح دریافته بود که قراردادهای استعماری، ایران را

به شکارگاهی مناسب برای بیگانگان تبدیل کرده است، به همین دلیل یکی از راههای مبارزه‌اش را به جدال با غرب اختصاص داده بود (شرح این مبارزات و چگونگی بیدار کردن مردم آن زمان سخن را به درازا خواهد برد).

نائینی از علما و دانشمندانی است که محققان و پژوهشگران بالاتفاق او را به تحقیق، ژرف‌اندیشی، دقت نظر، استواری برهان و قدرت تعقل ستوده‌اند و همهٔ فضلا و علما برای وی احترامی خاص و درخور قایل بودند (۴: ص ۹۵). دربارهٔ حوزهٔ درس میرزا مطالب بسیار نقل شده است، شاگردان کلاس او را بزرگان و معارفی تشکیل می‌دادند که برخی از آنها خود استاد و صاحب‌نظر بودند. آنچه را که تقریر می‌کرد شاگردان او می‌نوشتند. این نوشته امروزه در زمرهٔ بهترین و جامع‌ترین کتب اصولی به‌شمار می‌رود.

بیان شیرین و دور از تکرار او به‌طوری نافذ بود که جای هیچ پرسشی را باقی نمی‌گذاشت. کلاس درس او ترتیب خاصی داشت، صبح‌ها فقه و شب‌ها اصول تدریس می‌کرد، حوزهٔ درس خارج مرحوم نائینی هشت تا نه سال به‌طول می‌انجامید.

مرحوم نائینی برای تاریخ اهمیتی ویژه قایل بود. او برای تشریح و تحلیل مسائل و پدیده‌های علمی و سیاسی هیچ‌گاه از تاریخ و رویدادهای تاریخی غافل نمی‌شد و عقیده داشت تاریخ در آگاهی انسان‌ها نقش اساسی و مؤثر دارد. از نظر اخلاق نیز ویژگیهای بارزی داشت. به قول مرحوم معلم حبیب‌آبادی او علم را در بستر تقوا آموخته بود. چرا که فرزند مرحوم حاج میرزا عبدالرحیم شیخ الاسلام نائین بود. آن بزرگوار نیز خود از معارف و علمای طراز اول به‌شمار می‌رفت (۵: ص ۲۱۷).

پژوهشگرانی که دربارهٔ رفتار و کردار او تحقیق کرده‌اند، می‌نویسند: مرحوم نائینی از بزرگان و فرزاندانی بود که در طول حیات پربرکت و پرثمرش هیچ‌گاه فریفتهٔ مظاهر فریبنده و مقامات پرزرق و برق نشد.

برای نماز چنان احترامی قایل بود که همیشه پیش از اذان به استقبال نماز می‌شتافت، ارتباط با خدا و عشق به نماز به‌طوری با روح او عجین شده بود که حتی در آخرین روزهای

عمر نمازش از زمان معین و همیشگی واپس نیفتاد. مرحوم میرزا در نیایش نیمه‌شب حیات معنوی یافته بود و همین اهرم نیرومند بود که کوران‌های گوناگون زندگی را بر وی سهل و آسان کرد. این خصوصیت که با دیدی ژرف و دانشی گسترده و خاص توأم بود کانون درس میرزا را به مهد تربیت دانشمندان و استادانی تبدیل کرد که بعد از او به حوزه‌های علمیه حیاتی تازه بخشیدند و مراکز علوم اسلامی را پربار کردند.

از شاگردان مشهور او: مرحوم شیخ موسی خوانساری، شیخ محمدعلی کاظمینی، سید جمال‌الدین کلپایگانی، سید مرتضی لنگرودی و سید هادی میلانی را نام می‌بریم (۳: ص ۴۰۷).

مرحوم نائینی آثار متعدد و گرانسنگی از خود بر جای گذاشت که هر یک در عداد منابع بسیار مهم برای طالبان علوم اسلامی به‌شمار می‌روند. مشهورترین اثر مرحوم نائینی کتاب مستطاب و گرانقدر «تنبيه‌الامة و تنزيل‌المله» است. این اثر که مشهورترین و نامدارترین تألیف وی به‌شمار می‌رود، دربارهٔ مقابله با استبداد و دفاع از مشروطیت می‌باشد. مباحث مطرح شده در این کتاب حکومت، قانون، نظام، استبداد و دفاع از مشروطیت است. این کتاب در سال ۱۳۲۷ هجری قمری یعنی در هنگامهٔ استبداد صغیر به زبان فارسی نگارش یافت و به چاپ رسید. این اثر نفیس بارها در ایران تجدید چاپ شده که تصحیح و حاشیه‌ای که مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی بر آن نوشته از همه معروف‌تر است.

شرح بر حاشیه و «عروة‌الوثقی» نیز اثر دیگر مرحوم میرزای نائینی است، مؤلف این کتاب «سید کاظم یزدی» است و فقها و علمای بسیار بر آن حاشیه نوشته‌اند، اما حاشیهٔ مرحوم نائینی که در حقیقت دیدگاههای خود او و خارج از متن است از همه مشهورتر است.

رسالات فقهی و اصولی مرحوم نائینی نیز از آثار گرانسنگ وی به‌شمار می‌روند، برخی از این رسالات عبارت‌اند از رساله در خلل نماز، رساله در نفی ضرر، رساله در شرط متأخر و... تعزیرات میرزا از دیگر آثاری است که امروز مورد استفادهٔ بسیاری از دانشمندان و

استعداد ذاتی و قدرت فراگیری و ممارست و از همه مهمتر ایمان و اعتقاد مرحوم میرزا باعث شد تا پس از گذشت یک‌دهه در فلسفه و ریاضی و ادبیات فارسی و ادبیات عرب به برتری‌هایی برسد. در این زمان تسلط او به ادب فارسی و عرب به جایی رسیده بود که به هر دو زبان سخن می‌گفت و خوش می‌نوشت.

پژوهشگران علوم اسلامی است، این تعزیرات که به دست شاگردان آن مرحوم نوشته شده شامل مسائل مختلفی است که مرحوم نائینی در طول سالها تدریس بیان نموده است.

مرحوم نائینی در اواخر عمر به سبب کار مداوم و زیاد بیمار شد، به طوری که با اشکال تکلم می‌کرد و بالاخره در شب جمعه ۲۶ جمادی‌الاول سال ۱۳۵۵ هجری قمری برابر با ۲۴ مرداد ۱۳۱۵ شمسی دعوت حق را لبیک گفت. رحلت آن مرحوم زمانی اتفاق افتاد که رژیم پهلوی اول در اوج دشمنی با روحانیون و روحانیت بود و به شدت از برپا کردن مراسم مذهبی و سوگواری جلوگیری می‌کرد و به همین دلیل در ایران مراسم سوگواری چندانی برپا نشد. اما بزرگداشت وی در نجف به نحو دیگری بود. مرحوم معلم حبیب‌آبادی به نقل از آیت‌الله چهارسوقی می‌نویسد: «تشیع جنازه مرحوم نائینی و مجالس فاتحه ایشان بسیار بااهمیت شد... برای کمتر کسی این‌طور اقدامات شده است» (۵: ص ۲۱۸۱).

پس از رحلت مرحوم نائینی جنازه وی را از بغداد به نجف انتقال دادند و شیخ علی قمی او را غسل داد و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی بر او نماز گزارد. مجالس ترحیم بی‌شماری نیز برای آن مرحوم برگزار شد. یکی از جراید مشهور آن زمان «جریده‌الکرخ» یک شماره خود را به عنوان یادنامه به وی اختصاص داد. مراسم چهلمین روز درگذشت او نیز بسیار باشکوه بود. «سید علی نقی نقوی هندی» که از شاگردان او بود، شرح حال میسوطی در «مجلةالرضوان» هند در سه شماره متوالی نوشت و حق استاد را به خوبی ادا کرد (۴: ص ۱۰۰).

بعد از رحلت آن مرحوم در حالی که بازارها تعطیل و همه مردم در تشیع حاضر بودند، جنازه را به نجف اشرف حمل کردند. طلاب علوم دینی جنازه را تا صحن مقدس غروی حمل کردند در حجره دوم دفن نمودند.

از مرحوم آیت‌الله نائینی سه پسر و یک دختر بر جای ماند. پسران او:

- مرحوم میرزا علی آقا که از فضلا و مدرسان حوزه علمیه نجف اشرف و از شاگردان مستعد پدر مرحومش بود. میرزا علی آقا در سال ۱۳۵۶

شمسی در نجف به رحمت ایزدی پیوست و در جوار پدر به آرامش ابدی رسید.

- مهدی غروی که از روحانیون برجسته و از شاگردان بنام مرحوم نائینی بود، هم‌اینک در قم ساکن است.

- آقا محمد غروی که وی نیز در نجف تحصیل کرده و در تهران ساکن است.

- دختر مرحوم غروی نیز زوجه حاج سید محمد عرب‌زاده معروف به «آقا نجفی» ساکن همدان است.

همان‌طور که اشاره شد تهیه یک شرح حال مختصر نمی‌تواند بیانگر ابعاد وجودی این مرد بزرگ باشد. مردی که پایگاه و جایگاهش در زوایای قلب مردم بود و موضع‌گیریهای اجتماعی‌اش نقطه و حرکتی شد تا مردم با مسائل زمان به تدریج آشنا شوند. اگرچه اخیراً برخی نهادها با تشکیل همایش‌ها و نکوداشت‌هایی تا حد قابل توجهی در تبیین مقام شامخ این بزرگوار گام‌های مؤثری برداشته‌اند. مردی که آنقدر مورد توجه استادش میرزا شیرازی بود که بارها و بارها میرزا در نجف اشرف شاگرد مستعد نائینی‌اش را با این بیت مورد لطف و مرحمت قرار می‌داد:

محمد امروز به شوق و شغفی  
امروز به نام توست فاضل نجفی

#### منابع

- ۱- پیام انقلاب، «آیت‌الله نائینی مبادی دین و سیاست»، سال ۳۰، شماره ۳۶، مرداد ۱۳۶۱.
- ۲- تفصیلی، آذر. فرهنگ بزرگان ایران و اسلام از قرن اول تا قرن چهارم هجری، چاپ آستان قدس رضوی.
- ۳- حوزه، «گفت‌وگو با حجت‌الاسلام حاج شیخ مهدی غروی»، شماره ۷۶ و ۷۷، مهر و آبان ۱۳۷۵.
- ۴- سجادی نائینی، سید مهدی. نائین بلده طیبیه، انتشارات بنیاد پژوهش مهر، اصفهان، ۱۳۷۹.
- ۵- معلم حبیب‌آبادی، محمدعلی. مکارم‌الآثار، جلد ۶، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر سابق، اصفهان، ۱۳۵۲.
- ۶- مطهری، مرتضی. خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۶۰.
- ۷- نگاه نو، «آیت‌الله نائینی مدافع مشروطه»، شماره ۲۹، مرداد ۱۳۷۵.

مرحوم نائینی عقیده داشت در روزگاری که مسلمانان به رهبران دینی دسترسی ندارند و تحت سلطه حکام نادان و فاسد و ستمکار قرار دارند، وجود قوانینی که مانع زورگویی و خودکامگی و استبداد گردد لازم است، به همین جهت و با این اعتقاد شرکت مردم در نهضت مشروطه خواهی و مشروطه طلبی را واجب اعلام کرد و مشروطه بودن حکومت را از ضروریات دین اسلام به‌شمار آورد.